

یادی از سردار سرلشکر پاسدار شهید محمد بروجردی

به بهانه سی‌وهشتمین سالگرد شهادتش

مردم‌داری؛ مرام مسیح کردستان

◀ **مرجان قندی**
خبرنگار

یکم خرداد سی‌وهشتمین سالروز شهادت سردار شهید محمد بروجردی معروف به«مسیح کردستان» است. شهید سردار سرلشکر پاسدار محمد بروجردی در سال ۱۳۳۳ در یکی از روستاهای شهرستان بروجرذ به دنیا آمد. بروجردی ۲۹ بهار را بیشتر به چشم ندید و شاید بهتر است بگوییم ۲۹ خزان را چرا که این فرزند رشید آیین محمدی(ص) در تمام زندگی اش از کودکی تا هنگام عروج همواره دست به گریبان در نبردی سخت با فقر، جهل، تجاوز، ستم و ریا بود.

بروجردی در سن ۵ سالگی از نعمت پدر محروم شد و مبارزه با فقر را آموخت، چنان که در گیرودار آن استقلال، توانمندی، اتکا به نفس و توکل به حق ملکه ذهنش شد و همگام با قد کشیدن و بزرگ شدن نیز آموخت که چگونه با چهل که پرده سیاه همیشگی بر چشمان حقیقت است، جدال کند. رشد کردن در دامان مادری با ایمان از محمد کوچک جوانی مؤمن ساخت. از گوشه کوچک کارگاه تشک دوزی در اوان نوجوانی جهان را تحت تسخیر ستمی دید که تاب تحمل آن را نداشت.

از این‌رو پس از اتمام دو سال خدمت سربازی، مبارزت سیاسی خود را آغاز کرد و همان ابتدا سعی کرد با روحانیت خط امام تا پامش برقرار کند.او که قلبی مالا مال از عشق به حضرت امام(ره) در وجودش موج می‌زد بایاران امام از جمله شهید حاج مهدی عراقی مرتبط شد و به خودسازی و کسب فیض و علم در مکتب آنها وبه چاپ و تکثیر و پخش اعلامیه‌های حضرت امام اقدام کرد. همچنین کنار آن به مبارزه نظامی علیه طاغوت پرداخت و سپس به سوریه رفت و با شهید چمران و شهید منتظری آشنا شد. با پیروزی انقلاب اسلامی وباژغشت حضرت امام(ره) به ایران از طرف شهید بهشتی و شهید عراقی مسئولیت حفاظت حضرت امام در فرودگاه و مسیر بهشت زهرا(س) به

او واگذار شد.

از اینجا بود که محمد شد محمد فرزند انقلاب، محمد فرزند امام. انقلاب نبرد



به همراه داشت و نبرد این میدان، جنگی نابرابر به‌دنبال داشت و نبرد و جنگ، مرد می‌طلبید و محمد مرد نبرد و مرد میدان بود. کردستان بیش از هر خاک دیگری نام محمد بروجردی را به خاطر دارد، چرا که در تمام سال های سخت جنگ کردستان تربیت پیشانی محمد بود. خودش گفته بود:«من به این مردم محروم و ستم‌دیده علاقه دارم و تا زنده هستم در کردستان می‌مانم.» اما خیلی پیش‌تر از اینها نام محمد بروجردی را باید در صفحه نخست شانسمانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جست و رد او را در رختنی کردن بلواهایی چون بلای ت کرمن خنرا، کودتای نوژه و مبارزه با منافقین و... دنبال کرد. اما باز هم کردستان خاک پاک ستم دیدهای بود که همواره همدرد با به سوی خویش فرامی‌خواند. سندنچ، کامیاران، پیرانشهر، میروان، جوانرود، بانه، سردشت و جای جای کردستانی که وجب به وجب آن خنجرى بر پشت داشت و دلی پر خون در سینه، خاکی که شاید هیچ فرماندهی چون بروجردی وجب به وجب اش را نمی‌شناخت و عاشقانه برایش تن به تیر کینه و ستم نمی‌داد.

بروجردی را خدا چنان حیاتی بخشیده بود که در میان مردم راه برود و با نورانیت خود، آنها را زندگی بخشد، به همین دلیل لقب بروجردی «مسیح کردستان» شد؛ چراکه از یک سو این لقب اشاره داشت به زنده کردن دوباره کردستان و احیای مردم اسلام‌دوست آن منطقه که زیر دست‌و پای ضدانقلاب از جهات مختلف در حال نابودی و مرگ بودند و از سوی دیگر این لقب، به‌خاطر سیمای نورانی و مهربانی بود که داشت. بروجردی را می‌سوی فرماندهی قدر و کار آرموده نظامی بود و از سوی دیگر فردی فوق‌العاده مهربان و معنوی و مکتبی. در

- سه شنبه ۴ خرداد ۱۴۰۰
- سال بیست و هفتم
- شماره ۶۳۶۶

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

دیگر، معمولاً به‌عنوان کنایه بر زبان عامه مردم جاری می‌شدند.

■ **سخن‌امام خمینی (ره):**

رشادت‌ها و ازخودگذشتگی‌های مردم غیور دزفول و همچنین اهدای شهدای فراوان این شهر موجب شد تا امام خمینی (ره) در مورد این شهر فرمودند: «شما دزفولی‌ها امتحان دادید و سربلند از آن بیرون آمدید.»

■ **اولین موشک:**

بمباران هوایی از همان روزهای اول جنگ آغاز شد و مردم چون تا آن لحظه چیزی ندیده بودند به‌جای پناه آوردن به زیر زمین و جای امن به پشت بام می‌رفتند تا محل اصابت بمب‌ها را ببینند. اولین موشک در ۱۹ مهر ماه ۱۳۵۹ ساعت ۲۲ و ۱۰ دقیقه به دزفول اصابت کرد. در آن شب عده‌ای از بسیجیان دزفول در حیاط مسجد استراحت می‌کردند. اکثر مردم دزفول نمی‌دانستند که موشک یعنی چه؛ آنها بمباران هوایی و توپ‌های دوربرد دشمن را تجربه کرده بودند اما نمی‌دانستند انفجار موشک چگونه است. یادم می‌آید در همان روزهای موشکیاران سفری به تهران داشتم در راه کسی پرسید: صدای موشک مثل صدای چیست؟ هر چه فکر کردم نتوانستم مثل و ماندی برای آن پیدا کنم به ناچار گفتم: صدای موشک مثل صدای... موشک است!!!

یک روز یکی از دوستان همشهری برای کسی تعریف می‌کرد: اوایل جنگ خمیاره که زدن ناشکری کردیم، شد گلوله توپ. قدر توپ‌ها را ندانستیم، شد موشک سه متری، از سه متری هم به شش متر و از آن هم به ۹ متری و دوازده متری. حالا باید برویم خدا را شکر کنیم که موشک‌های پانزده و بیست متری نرسیده!

■ **حرف آخر:**

۱- سال‌هاست چهارم خرداد در سایه سوم خرداد (سالروز آزادسازی خرمشهر) قرار دارد و همیشه تحت‌الشعاع آن قرار گرفته و پامش برقرار کند.او که قلبی مالا مال از عشق به حضرت امام(ره) در وجودش موج می‌زد بایاران امام از جمله شهید حاج مهدی عراقی مرتبط شد و به خودسازی و کسب فیض و علم در مکتب آنها وبه چاپ و تکثیر و پخش اعلامیه‌های حضرت امام اقدام کرد. همچنین کنار آن به مبارزه نظامی علیه طاغوت پرداخت و سپس به سوریه رفت و با شهید چمران و شهید منتظری آشنا شد. با پیروزی انقلاب اسلامی وباژغشت حضرت امام(ره) به ایران از طرف شهید بهشتی و شهید عراقی مسئولیت حفاظت حضرت امام در فرودگاه و مسیر بهشت زهرا(س) به

۲- سوم و چهارم خردها می‌آیند و می‌گذرد اما برای مردم خوزستان خصوصاً دو شهر خرمشهر و دزفول آب از آب تکان نمی‌خورد. اینکه روزی به‌نام شهری در تقویم‌ها نشدنی می‌شود به خودی خود خوب و یادآور واقعهای تاریخی است و اینکه برنامه‌هایی در صداوسیما اجرا شود و مراسمی برای مردم در این شهرها اجرا شود امری عادی است اما سؤال اینجااست که بعد از آن چه؟ اینکه بد مردمی خوش باشد که در یک روز از سال نامی از رشادت و مردانگی آنها برده می‌شود کافی است؟ همانگونه که مردم دزفول در طول دوران جنگ همچون رزمنده‌ای بی‌ادعا؛ شهید داد و استقامت کرد، وظیفه‌ای بود که بخوبی انجام شد. حال دولتمردان ما باید همت کنند و قدرشناسی خود را با طرح‌هایی برای سازندگی از این مردم ستوه‌ناشان بدهند. پل قدیم دزفول هر روز فرسوده‌تر می‌شود، بازار قدیم دزفول رو به ویرانی است، مرمت سبز قیای دزفول تمام‌نشده، نداشتن روگذرها و زیرگذرهای کافی عامل ترافیک در این شهر شده، موزه دفاع مقدس تا موزه شدن راهمی طولانی دارد. خانه‌ها و کوچه‌های قدیمی شهر که نماد دزفول عزیزند؛ هر روز این مردم شریف و مقاوم و البته رنج دیده می‌توان انجام داد، این باشد که به دو عدها و قول‌هایی که به آنها داده شده است عمل شود. همین!



دزفول، شهری با ۱۲۰ هزار نفر جمعیت

به انگیزه چهارم خرداد روز مقاومت و پایداری – روز دزفول

دزفول، شهر هزار موشک

◀ **عبدالرحیم سعیدی راد**
نویسنده

■ **دزفول کجاست؟**

دزفول با قدمتی حدود ۵۰۰۰ سال، یکی از شهرهای استان خوزستان در جنوب غربی ایران است که روی رودخانه دز واقع شده است و نام دزفول برگرفته از پل دژ مانند آن است. مقبره‌های تاریخی بسیار زیادی از ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد مسیح تا حدود ۶۰۰ سال بعد از آن در این منطقه وجود دارند. آثار باستانی بسیار زیادی از کشفیات این منطقه به‌دست آمده که در موزه‌های شهر موجودند. ۱۹ در این شهر وجود دارند. دزفول اولین مرکز تجاری شمال خوزستان است که با استان لرستان در ارتباط بوده است. دزفول از نظر تولیدات کشاورزی از جمله سبزیجات و صیفی‌جات مقام نخست را در ایران در دست دارد. همچنین کارخانجات و کارگاه‌های پنبه رسی زیادی را در خود جای داده است و هم اکنون صنایع کوچک و متوسط زیادی در این شهر به تولید مشغولند. دزفول در مسیر شاهراه ارتباطی تهران – اهواز واقع است.

■ **چرا روز دزفول؟**

اگر در برکه‌های تقویم امسال دقت کرده باشید حتماً دیده‌اید که برای اولین بار در روز چهارم خرداد ماه نوشته شده: روز مقاومت و پایداری – روز دزفول.

شایسته است دلیل این کار کمی روشن شود.

گفته می‌شود: در سال ۱۳۶۶ هیأت محترم دولت تصمیم می‌گیرد که یکی از شهرهایی را که به طور مستقیم با جنگ در ارتباط بوده به‌عنوان شهر نمونه انتخاب کند.

به این ترتیب در چهارم خرداد ۱۳۶۶ از سوی وزیر کشور وقت با اهدای لوح زرین به مردم دزفول، این شهرستان به‌عنوان پایتخت مقاومت ایران در دفاع مقدس نام گرفت.

■ **چرا در دزفول پایتخت مقاومت شد؟**

در اینکه همه ملت ایران مقاوم هستند و

جنگ را اداره کردند و دزفولی‌ها طی سال‌های جنگ تحمیلی و در زیر موشکیاران‌های شدید عراق، شهر را ترک نکردند و طی ۲۷۰۰ روز مقاومت ۲۶۰۰ شهید تقدیم انقلاب و اسلام کردند. مردمی که زخم ۱۷۶ موشک ۹،۶ و ۱۲ متری را هنوز به یادگار می‌کشند، که گاه در کوچه‌های ۳ متری فرو می‌نشست. همچنین بیش از ۲۵۰۰ گلوله توپ و ۳۰۰ راکت هواییم بر سر مردم بی‌دفاع این شهر فرود آمد. اما نمونه شدن دزفول دلایل دیگری هم داشت

از جمله:

۱- عدم تخلیه شهر: موشکیاران‌ها در طول جنگ تحمیلی از سوی عراق هرچند بسیار سخت بود اما باعث نشد تا مردم، شهر را تخلیه کرده‌واز رزمندگان پشتیبانی نکنند ولی مردم دزفول نه تنها تسلیم نشدند بلکه مراسمی مانند راهپیمایی روز قدس را هم زیر موشکیاران انجام می‌دادند.

۲- توفیق در بازسازی حین جنگ:

معمولاً این‌طور بود که هرگاه خانه‌های مردم در زیر حملات توپخانه‌ای یا بمباران‌های هوایی یا موشکی ویران می‌شدند خودشان به بازسازی ویرانه‌ها اقدام می‌کردند؛ به طوری که گاهی در کمتر از یک سال مشخص نبود که کدام محله ویران شده است.

۳- پشتیبانی از رزمندگان اسلام:

مردم دزفول پا به پای همه مردم کشور به‌ر نحو ممکن پشتیبان رزمندگان بودند. دزفولی‌ها بواسطه نزدیکی با جبهه‌های نبرد به‌طور مستمر کمک های مادی و معنوی خود را به جبهه اهدا می‌کردند. هم پذیرای رزمندگان سایر نقاط کشور بودند و هم در موقع عملیات در جبهه‌های نبرد، پذیرای مجروحان جنگ بودند.

۴- تقدیم شهدای زیاد:

شهری که در دوران دفاع مقدس با بیش از ۲۶۰۰ شهید و تحمل مصایب این دوران توانست سربلند از آزمون مردانگی و غیرت و شهادت بیرون آید. بسیار مواقع اتفاق افتاده

در تقویم رسمی کشور ۴ خرداد، به عنوان «روز مقاومت و پایداری – روز دزفول» نامگذاری شده است.
بلد الصواریخ یا شهر موشک‌ها عنوانی بود که عراقی‌ها، به شهر مقاوم و شهید پرور دزفول داده بودند.

دزفول که به عنوان شهر نمونه در جنگ تحمیلی و مظهر مقاومت مردم در مقابل حملات موشکی عراق نام گرفته بود در چهارم خرداد سال ۱۳۶۶ از طرف دولت وقت کشورمان مفتخر به دریافت لوح زرینی شد که توسط نماینده دولت و تعدادی از مسئولان دیگر، در میدان فتح المبین نصب شد.

مردم دزفول در طول هشت سال دفاع مقدس با همه توان در برابر دشمنان قهرمانانه ایستادند و با وجودی که بیشترین موشک‌ها بر بیکره این شهر وارد شد اما در حین جنگ، مردم بخش‌های تخریب شده شهر را همزمان بازسازی می‌کردند. با این همه بخش‌های گسترده‌ای از یافت تاریخی دزفول آسیب دید و بیش از ۲۶۰۰ شهید در راه خدا و انقلاب اسلامی و کشور عزیزمان تقدیم کردند و به‌دلیل همین مقاومت‌های بی‌نظیر به عنوان شهر نمونه مقاومت و پایداری و پایتخت مقاومت ایران عزیز نام گرفت و روز چهارم خرداد هم در تقویم‌های سالانه، به نام «روز دزفول» ثبت شد.

دزفول در طول جنگ تحمیلی ۱۷۲ بار مورد اصابت انواع موشک‌های ۳ و ۹۰ و متری اسکاد B ساخت اتحاد جماهیر شوروی ۲۵۰۰ بار گلوله توپ و ۳۰۰ بار مورد حملات هواییمهای دشمن قرار گرفت ؛ در این حملات بیش از ۱۹۰۰۰ واحد تجاری و مسکونی تخریب شد و جمعا ۲۶۰۰ شهید و عده زیادی مجروح و در جبهه‌ها هم با جوانان شکن خود حضور فعال داشت و به رغم تمام این خسارت‌ها و فشارها و تقدیم شهید و جانباز و آزاده همچنان استوار به مقاومت خود ادامه داد و خواست و اراده رژیم بعث عراق را در خالی کردن شهر توسط مردم، با جبهه‌ها توسط جوانان به شکست کشاند و با مقاومت خود به عنوان دژی مستحکم و تکیه گاهی مورد اعتماد برای رزمندگان اسلام عمل کرد و نمونه‌ای از مقاومت را هم برای کل جهان به نمایش گذاشت و تحسین همگان را برانگیخت.

می‌گرفت. «شهر هزار موشک»؛ این اسم نشان از تعداد زیاد موشک‌هایی بود که به این شهر اصابت می‌کرد. «بلد الصواریخ یا شهر موشک‌ها»، «شهر مقاومت»، «پایتخت مقاومت» و «الف دزفول» این آخری نشأت گرفته از سخنان گوینده رادیو عراق بود که هرگاه اسامی شهرها را برای بمباران می‌خواند بکار می‌برد. در واقع سر لیست همه بمباران‌ها بود؛ حتی شایع شده بود هرگاه میگ‌های عراقی قصد بمباران جایی را داشتند اما موفق نمی‌شدند به‌خاطر اینکه بمب‌های خود را به کشورشان برگردانند آنها را بر سر مردم بی‌دفاع دزفول خالی می‌کردند.

خلاصه اینکه این اسامی و شاید اسامی

بود که برخی خانواده ها ، فرزندانشان در

جبهه به شهادت می‌رسیدند و خودشان در شهر مورد هجوم موشک قرار داشتند.

۵- داشتن بیشترین نیروی رزمی بویژه فرماندهان:

دزفول از معدود شهرهایی بود که دارای چندین گردان بسیجی بود که بیش از یک تیپ نیرو داشت؛ البته تنیی که به لشکر ۷ ولی‌عصر(عج) تبدیل شد. فرماندهان دزفولی (نظیر سردار رشید - رنوقی - زنده‌یاد سوداگر و...) هم در ده‌های مختلف نظامی جنگ حضور مؤثر و چشمگیری داشتند.

■ **نام‌های دزفول در زمان جنگ تحمیلی**

«شهر بی در و پیکر» چون بی‌حساب و کتاب مورد بمباران و موشکیاران قرار

که حمایت جهانی را پشت سر خود داشت، ایستادگی کردند و حماسه‌های شگرف آفریدند و اسوه و اسطوره مقاومت و پایداری شدند.

هم آن روز معلوم بود و هم امروز و دیگر زاویه پنهانی نمانده است که جنگ توسط جبهه استکبار جهانی و به نمایندگی عراق در ۳۱ شهریور سال ۵۹ در حالی بر ایران اسلامی تحمیل شد که کشورمان، هنوز درگیر سرسوامان دادن و خرابی‌های ناشی از انقلاب و ویرانگری‌های نظام شاهنشاهی و در حال دست و پنجه‌نرم کردن با مشکلاتی بود که بخش عمده آنها از رژیم سابق به ارث رسیده بود و بخش دیگری هم زاینده همان دشمنان و دنباله‌های داخلی آنها بود که از این انقلاب آسیب دیده و منافعهشان به خطر افتاده بود، مانند کودتا، ترور، تحریک قومیت‌ها برای جدایی از امام مهین در کردستان، خوزستان، ترکمن، و جاهای دیگر، همچنین ظهور گروه‌هایی که مانند قارچ از زمین سر بر آورده بودند و نوعاً هم با سلاح‌هایی که از پادگان‌ها و مراکز دیگر نظامی و انتظامی به سرقت برده بودند، مسلحانه در برابر نظام نوپای اسلامی صف کشیده بودند و از هرگونه خسارت رذن و خیانت دریغی نداشتند، مراجعه‌ای به تاریخ، همه اینها را به وضوح به شما نشان می‌دهد.

از جنبه‌های دیگر، بقا و انصاف‌ابه پابندی، از خود گذشتگی و ایثار و فداکاری و دلسوزی افشار مختلف مردم که به‌صورت یکپارچه تحت لوای ولایت و اوامر رهبری معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه در هر نقطه کشور به‌صورت خودجوش و دین مدارانه در حال رنق و فلق امور و دفع شرور بودند هم باید اشاره کرد که اگر این پایمردی‌ها و ایثارگری‌ها و حضور فعال نبود، شاید به جرات بتوان ادعا کرد، که این انقلاب اسلامی هم به تاریخ

می‌پیوست و امروز هم مانند قیام مشروطه و دیگر قیام‌ها شاید ذکری از آن، در اذهان مردم، آن هم به‌صورت تحریف شده نبود و اصلاً تحت عنوان «یک اشتباه تاریخی» ثبت شده بود. جنگ تحمیلی را هم می‌توان یکی از هزاران توطئه‌ای دانست که به قصد براندازی این نظام نوپا و اقامدی تمام‌کننده دانست، اما هنگامی که جنگ آغاز شد از گوشه گوشه کشور، اسامی، غیور مدعی‌ها، شیر زنان، جوانان، و... همه با هم با حضور با همراهی کردن همسران و فرزندان خود به دفاع برخاسته تا این سربزرگ را دفع کنند و در این خصوص هم چه حماسه‌ها آفریده و در تاریخ به ثبت رساندند که شایسته است کتاب‌ها در مورد آنها نوشته شود تا همه بدانند مردم این کشور در شرایط مختلف چگونه پای انقلاب و نظام کشور اسلامی خود ایستاده و افتخارها آفریدند.

مردم شهرستان دزفول نمونه‌ای از این مقاومت جانانه و ایثارگری شجاعانه هستند؛ شهری که در طول هشت سال دفاع مقدس با تمام وجود در برابر متجاوزان ایستاد، ۲۵۰۰ گلوله توپ، ۳۳۱ راکت هواییم، ۱۷۶ فروند موشک در سایه‌های ۹ و ۱۲ متری را بر پیکر خود تحمل کرد. ۲۶۰۰ شهید، ۴ هزار جانباز و ۵۰۰ آزاده تقدیم ساحت قدس این انقلاب شدند

نمود و هزاران (۱۹۰۰۰) باب منزل مسکونی و مغازه از مردمش تخریب شد و فرزندانش هم پیوسته در صحنه‌های دفاع مقدس از سطح بالای فرماندهی تا رزمندگان تک و کر حضور داشتند. دزفول و دزفولی‌ها ایستادند، امتحان دادند و سربلند از آزمون آمدند و بالاخره در تاریخ ۴ خرداد سال ۶۶ توسط دولت وقت جمهوری اسلامی مفتخر به دریافت لوح «شهر نمونه جنگ و پایتخت مقاومت» گردیدند.